

بنام صلح، بنام آزادی

به کنگره سوم حزب چپ ایران (فداییان خلق)

یکشنبه، 11 ژوئن 2023 - 08:22

سوران شمسایی



تمام مردم ایران انقلاب را تجربه کرده اند، حتی اگر پس از انقلاب متولد شده باشند، با انقلاب زندگی کرده اند، چون ایران بعد

بهمن ۵۷ از شرایط انقلابی خارج نشده است.

اگر امروز جنبش زن، زندگی، آزادی شکل گرفته است در واقع ادامه همان انقلاب ۵۷ است. مرگ غم انگیز ژینا همان خودسوزی‌ها دارایی است در اعتراض به محرومیت زن از آزادی‌های فردی. این جنبش دقیقاً می‌داند انقلاب چیست و چه پیامدهایی می‌تواند داشته باشد به واقع ایران به نقطه‌ای از ادراک عمومی رسیده است که خطر انقلاب نکردن و یا مدارا با این رژیم حاکم از خطر انقلاب دوباره بسی بیشتر و جبران ناپذیرتر است

مرد امروز عشق را تابو نمی‌داند، در خیابان فارغ از جنسیت در کنار هم‌رزم خود حق خود را مطالبه می‌کند و باکی ندارد در حمایت، شال دختر هم‌رزم خود را از روی موهایش برمی‌دارد و با سوزاندن آن هر دو به دور شعله سوزان آن تانگوی زندگی اجرا می‌کنند و می‌خوانند برای زن، برای آزادی.

جوان امروز از خود انتقادی وحشت ندارد، او می‌داند برای پیشرفت، برای رویش بذر خود انتقادی را در مزرعه خرد جمعی بکارد.

او از گذشتگان درس می‌گیرد می‌گیرد، روح انقلابی‌گری را از نسل انقلابیون ۵۷ به ارث برده و با بهره‌گیری از تکنولوژی و اینترنت هم صدایش را به دنیا

می رسان، هم صدای مظلومیت خفتگان خاوران را به خاور دور
می رساند و هم در برابر دیکتاتور قد علم می کند و با رشادت می
شود

مجید رهنورد در پانزده دقیقه آخر زندگی اش پای چوبه ی دار،
خسرو گل سرخی دیگری را در صفحه تاریخ آزادیخواهان ثبت می
کند.

جوان امروز با صدای یک دل میگه برم، یک دلم میگه نرم، نیکا
شاگرمی

. نور می شود و رقص خدا نور می کند و در آسمان ایران با قلم
موی نقاشی کیان رنگین کمان امید را نقس می زند.

او مهرشاد شهیدی می شود با خمیر نان اری نان، معنی و
واقعیت نان که در تمام دوران زندگی بشر مفهوم زندگی بود را به
تصویر می کشد.

وقتی مهرشاد با خمیر می رقصد مثل این است که با نان
معاشقه دارد. او چگونه زندگی کردن را به تصویر می کشد

که این عشق به زیستن بود

و افسوس که سرکوبگری رژیم این همه عشق و زندگی را در دل
خاک مدفون کرد.

هدف جنبش زن ، زندگی، آزادی این است که زندگی بهتری برای
مردم این سرزمین پدید آورد

همان خواسته ای که سارینا اسماعیل زاده روبه روی دوربین در
اوج سادگی ولی بسیار زیبا تنها انتظار مردم از کشورشان را در
یک کلمه می گوید : رفاه، رفاه.

این جنبش نشان می دهد که جامعه ایرانی امروز تغییر کرده
است و دو نقطه اساسی این تغییر و تحول زنان بودند و چرخش
نسل ها رشد و تحول زنان تغییری که با خود به همراه آورد، توازن
جامعه سنتی و مرد سالار ایران را برهم زد. زنان و بخش بزرگی از
مردان جامعه که عموماً نسل دهه ی هشتاد پیش رو در این تفکر
به این نتیجه رسیده اند که کسب رهایی و آزادی بدون استقلال
در همه حقوق انسانی محال است و جنبش زن، زندگی، آزادی
در واقع مطالبه گر این استقلال شده است و این همان نکته ای
هست که رژیم حاکم را هر روز بیشتر و بیشتر به زانو در می آورد.

در این راستا هر چه جنبش زنان به جلو گام بر می دارد دولت
برای مقابله بر اختیارات خود می افزاید و آزادی های فردی را
محدودتر می کند.

زنان که در طی این چهل و اندی سال محروم ترین قشر جامعه از
نظر حقوق شهروندی بودند با قتل مهسا همگی مهسا شدند و

بارزترین جنبش آزادیخواهی را در ایران و حتی می شود گفت در دنیا پایه گذاری کردند و در مقابل چنین حرکت عظیم ما مردم ایران در میان انبوهی از خفقان و مشکلات اقتصادی ، آموزشی، رفاهی و بسیار بسیار دیگر از حزب چپ که در آن سوی مرزها گرد هم می آید تا صدای ما به جهانیان باشید ، انتظار این را داریم اولویت عملکردها ، تصمیم های این کنگره و گردهمایی های اینچنین با انسجام و اتحاد بین احزاب و نیروها و انسجام حزب چپ و اندیشه های جمهوری خواهانی که اهدافشان حمایت از طبقه کارگری و برقراری رفاه و آزادی اجتماعی است ، در این برحه زمانی حساس ایران تجربیات انقلابی خویش را با اندیشه های نوین و پویای جوانان و مبارزین داخل ایران پیوند داده تا دست در دست هم و با ائتلاف وسیع تر نابودی این رژیم جنایتکار را شاهد باشیم .

خود می دانید در طی چند دهه با تمام جنبش ها و تفکرات اصلاح طلبانه این رژیم ثابت کرده است تغییر پذیر نبوده و تغییر نخواهد کرد .

امروز هر سپیده دم بجای شادی طلوع خورشید ما شاهد تاب خوردن جسم جوانان مان بر چوبه های دار هستیم. خیابان ها هر روز مملو از اقشار مختلف فرهنگی، کارگر، بازنشستگان، مالباختگان و ... مطالبه گر که حق خود را فریاد می زنند و پاسخ شان با باتوم است و شلاق. .

از کودکان کار و زباله گرد ها نگویم که شهرهای ایران که بر بستری از نفت و گاز و منابع طبیعی شناور هستند پر است. محرومانی که در سطل های زباله بدنبال نان می گردند و این است نتیجه ی توزیع ناعادلانه ثروت که ایران را به دو نیمه فقیر و غنی تقسیم کرده است.

رژیمی که از دهه شصت تا به امروز بارها و بارها جنایات پی در پی مرتکب می شود و برای هیچ کدام هم پاسخگو نبوده و نیست اصلاح نا پذیر بو دن خود را اثبات کرده است

ذات بد نیکو نگردد، چون که بنیادش بد است

باشد که وحدت و انسجام نیروهای چپ یاری گر ما در ایران شده بتوانیم به ثمر نشستن جنبش زن ، زندگی ، آزادی را شاهد باشیم .